

جلوه های

از سرنوشت

خاطرات و دیدگاه ها

ج

۱

مؤلف: حسن مرادی

سرشناسه : مرادی، حسن، ۱۳۳۰-

عنوان و نام پدیدآور : جلوه‌هایی از سرنوشت

مشخصات نشر : تهران : بال پرواز، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ۵۲۰ صفحه

شابک : 978-600-94847-1-3

وضعیت فهرست‌نویسی : فیاپی مختصر

یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شماره کتابشناسی : ۳۸۵۶۱۵۵



جلوه‌هایی از سرنوشت

مؤلف : حسن مرادی

ناشر : بال پرواز

طراح جلد : علی عبدی

صفحه‌آرایی : ولی‌اله حسینیان

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول : بهار ۱۳۹۴

لیتوگرافی : هزاره

چاپ و صحافی : بهمن

قیمت : ۳۵,۰۰۰ تومان

شماره شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۴۷-۱-۳

شماره مرکز پخش : ۰۹۱۲۶۴۳۴۷۲۳

www.baleparvaz.org

Azarpey s@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر بوده و هرگونه نسخه‌برداری

و برداشت به هر صورت و شیوه پیگرد قانونی دارد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	سخنی با خوانندگان
۱۱	پیشگفتار
۱۴	توضیحی مختصر در مورد فصل اول
۱۷	فصل اول همراه کوچ
۱۹	چگونه زاد مرا
۲۳	دشتی و مسیح
۲۵	شهادت دائی فضل الله
۲۶	سال ۱۳۳۸
۲۹	مرگ برادرم ولی
۳۱	دوران تحصیلات ابتدائی
۳۴	همکلاسی‌های دوران ابتدائی
۳۶	دکتر حمداله کرمی‌فر
۳۷	فیروز مرادی
۳۸	امان الله یوسفی
۴۰	اشاره‌ای به اقوام ترک
۴۱	خوانین و ادامه دیدار

۴۴	 عشایر قشقائی (هنر، فرهنگ، آسیب شناسی، پیشنهاد و راه حل)
۵۷	 بعضی رسومات از گذشته‌های دور عشایر قشقائی
۶۰	 بهمن بهادری قشقائی
۶۱	 معدودی از اقوام و آشنایان و بزرگانی که در استان فارس شهید و یا مرحوم شده‌اند
۶۵	 گفتگوی شیردل
۶۸	 اشعار ترکی با ترجمه فارسی از مؤلف
۷۵	 عمو قربانعلی مرادی‌پور
۷۹	 ماجرای شتر
۸۲	 حبیب‌الله مرادی
۸۳	 قادر مرادی
۸۴	 شاه‌حسین دهقانی کشکولی
۸۶	 افتخارات یک ظهور
۹۶	 استاد علی‌خان کریمی
۹۸	 مشهدی راه‌خدا جعفری
۱۰۰	 نگاهی گذرا به سرنوشت ازدواج
۱۰۲	 روزگار غارتگر
۱۰۵	 تصاویر فصل اول
۱۵۵	فصل دوم عرصه کار و تلاش
۱۵۷	 مهاجرت از استان فارس به تهران
۱۶۷	 نیک مرد بزرگوار جناب آقای محمد بهمن‌بیگی
۱۷۰	 فروردین ۱۳۴۵
۱۷۲	 آغاز به کار و مراحل بعدی
۱۷۴	 امتحان صنعت چاپ
۱۷۵	 اوج درگیریها
۱۸۱	 پرونده‌ها در بازرسی
۱۸۲	 بازگشت دوباره
۱۸۶	 پی‌ریزی و سنگ‌بنای فعالیت‌ها
۱۹۰	 مراسم تجلیل از بازنشستگان
۱۹۳	 دوران مدیریت محمدی اردهالی

۱۹۸	دیدار با آقای سرحدی‌زاده وزیر کار
۱۹۹	دوران سخت و پر ابهام
۲۰۱	راز بهم پیوستن
۲۰۳	فدائی خدمت
۲۰۵	رازی از رازها
۲۰۷	ورزش و انگیزه ورود به مسئولیت ورزشی
۲۱۱	تعاونی مسکن کارکنان
۲۱۳	خاطراتی از همکاران متوفی
۲۱۸	داغ بهای انتقام
۲۲۰	وقتی زنجیرها از هم می‌گسلند
۲۲۳	اسامی همکاران بازنشسته
۲۳۷	اسامی همکاران شهید و متوفی
۲۴۱	صفات و هنر یک مدیر در جامعه
۲۴۲	جشن پنجاهمین سال در کاخ سعدآباد
۲۴۵	از غربت تا غربت
۲۴۷	تصاویر فصل دوم
۳۰۱	فصل سوم گام به گام در انقلاب
۳۰۳	در شکوه انقلاب اسلامی
۳۰۸	اولین دیدار با امام
۳۰۹	استفاده از فرصت‌های بدست آمده
۳۱۲	دو قشر مظلوم جامعه
۳۱۳	انجمن‌های اسلامی
۳۱۶	ضرورت تشکیل بسیج
۳۱۸	اصالت و رسالت بسیج در مأموریت‌ها
۳۲۱	دو کوهه
۳۲۶	۱۳۶۲ در لبنان
۳۳۲	خاطراتی از راهپیمائی جماران تا خلیج فارس
۳۳۸	انگیزه جهاد برای پیروزی در جنگ تحمیلی
۳۴۰	نگاهی به گذشته‌های نه چندان دور

۳۴۳		تصاویر فصل سوم
۴۰۷		فصل چهارم اعتقادات
۴۰۹		مکه مکرمه
۴۱۱		مدینه منوره
۴۱۲		امام خمینی قدس الله النفس الزکیه
۴۱۴		درگذشت حاج یدالله رجبیان
۴۱۶		دوستی و معاشرت
۴۱۷		تحول فرهنگی
۴۱۹		اعتماد به نفس
۴۲۱		میدان
۴۲۲		روزگار و آدمیان
۴۲۳		غیرت دینی
۴۲۴		عشق وطن خواهی
۴۲۷		استفاده بهینه از اندیشه‌های انسانی در سنجش زمان
۴۲۹		آزادی
۴۳۲		حکومت‌ها و مردم
۴۳۳		مسلمان
۴۳۷		ساده و آماده
۴۳۸		تعامل برون و درون
۴۴۰		دین و قانون
۴۴۳		فصل پنجم آموزه‌های امید و زندگی
۴۴۵		آموزه‌های امید و زندگی
۴۵۵		فصل ششم ضرب‌المثل‌ها و حکایات
۴۵۷		ضرب‌المثل‌ها
۴۸۳		حکایات
۴۹۵		فصل هفتم اشعاری از شاعران
۴۹۷		اشعاری از شاعران

سخنی با خوانندگان

آنچه که سبب این نگارش گردید، تأکید و خواست استاد فرهیخته، فقید سعید، شادروان، محمد بهمن بیگی بوده است که یک بار به آقای دکتر کرمی فرپیغام داده بود و یک بار شخصاً با تلفن و بار دیگر حضوراً به بنده فرمودند: یک کتاب بنویس. بنده هم تشویق به این امر شدم و در صدد برآمدم تا با جمع آوری خاطرات و نیز بخشی از دیدگاه‌هایم پردازم.

لذا بعد از آن، مصمم گشتم که برای چاپ کتاب اقدام نمایم، تا ان شاء الله در فرصت‌های بعدی و در جلد دوم، با اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر به ادامه این مهم پردازم، از طرفی یکی از نکات برجسته و قابل تأمل در این کتاب، سرفصل و یا سخن آغازین می‌باشد که به لحاظ موضوعی، سخنی از استاد بزرگوار و صاحب اندیش شهید مرتضی مطهری، تحت عنوان **رابطه متقابل علم و ایمان** را تقدیم می‌دارم. امید است مورد دقت و توجه خوانندگان عزیز قرار بگیرد. استاد می‌فرماید: علم به ما روشنائی و توانائی می‌بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی؛ علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد؛ علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت؛ علم توانستن است و ایمان خوب خواستن؛ علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد؛ علم انقلاب بیرون است و ایمان درون؛ علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز؛ هم علم به انسان نیرو می‌دهد هم ایمان؛ اما

علم نیروی منفصل می‌دهد و ایمان نیروی متصل؛ علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی است. علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح؛ علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس. هم علم به انسان امنیت می‌بخشد و هم ایمان. علم امنیت برونی می‌دهد و ایمان امنیت درونی. علم در مقابل هجوم بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها، و طوفان‌ها ایمنی می‌دهد و ایمان در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها و پوچ‌انگاری‌ها، علم جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان انسان را با خودش. و نیز کتاب جلوه‌هایی از سرنوشت که مشتمل بر خاطرات و دیدگاه‌ها می‌باشد، به تنهایی جمع‌آوری و نگاشته و چاپ شده است، امید دارم در کاستی‌های آن، مرا یار باشید و در کیفیت جلد بعدی راهنمایم گردید.

حسن مرادی

پیشگفتار

در این کتاب به بخش‌هایی اشاره خواهم داشت، که اشارت اول راجع به دوران طفولیت و زندگی شخصی که از ایل قشقایی را در بر می‌گیرد و سپس به بعضی از مسئولیت‌های کاری و سایر مشاغل و تجاری که حدود ۵۰ سال توفیق خدمت‌گذاری را به همراه دارد و از سوئی در سیر گذر زمان، موارد منفی، مثبت، خواسته‌ها، دیدگاه‌ها، انتقادات، پیشنهادات و درد دل‌های کارکنان را که سال‌ها سال جمع شده و لاینحل مانده بود، با دقت زیر نظر داشته و در افکار و اندیشه‌های خود جای داده بودم، بنابراین با استفاده از تجارب بدست آمده و با ظهور و شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی، در صدد طرح‌هایی برآمدم تا بلکه با یک روش نوین و اجرای صحیح بتوانم امیدواری، دلگرمی، وفاق، مودت، یکدلی و همراهی را در محیط کار حاکم و هم‌اندیشی را ارائه طریق نمایم.

لذا در کنار مدیریت کار و تولید و در مسئولیت انجمن‌های اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، شورای اسلامی و سایر ارتباطات به تشکیل مددکاری، روابط عمومی و رفاه، ورزش، آموزش، نشریه داخلی، اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی، آگاهی‌دادن، بالابردن اطلاعات علمی و کاری، برقراری کمک‌های نقدی و غیرنقدی، شیوه‌های رفع اختلافات فردی و جمعی، با عملکرد منطقی و در خور توجه، ابعاد مختلف را در سرلوحه

امور قرار داده و نیز با روحیه‌ایثارگری، فداکاری، صبر، وفاداری و آموزه‌های تعهد و پایداری در راه آرمان‌های شهداء و در جهت ولایت محوری و به قصد ایجاد بناهای استوار و کارهای ماندگار و در رشد و تعالی آنها به وظیفه پرداختم و این را می‌پذیرم که به شیوه مدیریت در این کتاب ملاحظات فراوانی را به کار برده‌ام که در صورت لزوم در آینده به بعضی موارد و دیدگاه‌ها واضح‌تر خواهم پرداخت و این را باید گفت که در دل، رازهایی دارم که نباید و در زبان، گفتنی‌هایی دارم که شاید...، اما جا دارد که این تذکروا بدهم، در این سال‌های کار و تلاش آن هم در یک شرکت و مؤسسه بزرگ فرهنگی، تولیدی، خدماتی و صنعتی که اینجانب با فعالیت‌های شبانه‌روزی ۴۹ ساله، همراه یک کاروان آدم‌خودم، زحمت‌کش، هنرمند و قابل، در پی پیش برد و سرافرازی یک کار عظیم فرهنگی، توانستیم آن را با هنرنمایی‌ها و ابتکارات بی‌نظیر و ماندگار، به شهرت برسانیم. حال با این اوصاف هر آنچه بود گذشت.

امید است شاغلین و متعهدین فعلی بتوانند جانانه و برحسب وظیفه به عنوان فرزندان غیور ایران عزیز و مقیدین به اسلام و قرآن، به خوبی از این دست‌آورد قابل توجه پاسداری نموده تا نسبت به آثار ارزشمند گذشتگان ادای تکلیف کرده باشند و آنگاه خدمت‌گذاری صدیق و منشاء اثر مفید به فایده برای آیندگان نوید بخش باشند. از سوئی گویند از خود گفتن شایسته و شجاعت است، بعضاً می‌گویند خودستایی است. اما چه سخت است از خود گفتن و از سال‌ها تلاش و مجاهده و مقاومت، از فراز و نشیب‌های مسیر و از سختی‌های دوران، سال‌ها دوندگی، تفکر، نگرانی، درگیری و مسئولیت‌های جمعی گفتن، چه سخت است از بیان سازندگی خود و همراهان، آن هم نه کلمه‌ای کم و نه زیاد، آری حقایق را بی‌مجادله گفتن، آرمان‌ها را شکافتن، تنگناها را و موانع را با ملاحظه برشمردن، (با توجه به این که تعریف از خود نباشد) هدف از ارائه طریق است که وظیفه ایجاب می‌کند انسان کارنامه‌ای از خود ارائه نماید. بلی انسان گاهی ضرورتاً و بالاجبار وادار می‌گردد به بخشی از حقایق زندگی خود اشاره‌ای داشته باشد تا شاید روزنه‌ای و یا پاسخی به انتظارات باشد.

و در پایان اشاره‌ای دارم به بعضی از بزرگان، یادی از نزدیکان و نوشته‌های پراکنده از حوادث روزگار و تعهدات انسانی، چرا؟ چون سرزمین اسلامی ما همواره مهد پرورش عالمان و بزرگانی بوده است که در جای جای این سرزمین، فرزندگان والامقامی به لحاظ دین‌مداری، اخلاق و انسانیت، فرهیختگی، عملگرایی، مبارزات، بی‌ادعائی، پذیرش مسئولیت‌های سخت و دشوار و پاسخگوئی در امور، الگو و اسوه بوده‌اند، بواقع عالمان و مجاهدانی که زندگی صادقانه آنها در تاریخ، درس عبرتی برای بشریت، به خصوص گزینه‌ای بر نسل جوان برای آینده‌ای بهتر و به آیندگان که به گذشته این سرزمین و انسان‌های سترگش با فخر بی‌اندیشند و به غرور و غیرت آنان بی‌بالند.

با تشکر حسن مرادی - نویسنده و گردآورنده

توضیحی مختصر در مورد فصل اول

کوچ هم نوعی هجرت است که بعضی از انسانها با داشتن مال و حشم، توانائی و استعداد در کشاورزی، دامداری و آب‌خیزداری را با پرورش حیوانات و با بر خورداری از فرآورده‌ها و منابع طبیعی و در جهت حفظ و نگهداری آنها بناچار در فصول مختلف با توجه به موقعیت جغرافیائی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر همراه با شتر، اسب، گاو، گوسفندان، سگ، الاغ، استر یا قاطر با بار و بونه کوچ می‌کنند تا از آب و هوا و چراگاههای مقطعی بهره‌مند گردند، چون در حرکت هستند و از این یُورد به آن یُورد منزل می‌کنند مسلماً زندگی چادرنشینی را پیشه نموده‌اند.

بنابراین گاهی دچار تغییرات جوّی آب و هوائی هم قرار می‌گیرند که با تجارب پیشینه‌اندوخته شده به نحوی از عهده این مشکل برمی‌آیند و این جابجائی را در چهار فصل سال، ییلاق و قشلاق گویند، بنابراین با تحمل سختیهای زندگی و عدم امکانات کافی، باید گفت از شور و شوق، انگیزه و از استعداد بالائی برخوردار می‌باشند که با زندگی ساده خود و با متأثر از طبیعت زیبای دل‌انگیز و با امیدواری به نوعی نسبت به شهری‌ها مواجه با مشکلات اساسی و دغدغه‌های آنچنانی نمی‌باشند. در مجموع این قشر و یا اقوام را عشایر گویند که به لحاظ سلسله مراتب طبقاتی: ایل، طایفه، تیره و بُنکو و اولاد تقسیمات زندگی آنها را شکل می‌دهد. که ایل را ایل خان، طایفه را کلانتر، تیره را کدخدا و بُنکو را بگ و اولاد را ریش سفید اداره می‌کنند: ایل قشقائی متشکل از طوایف معروف و بزرگ و متحد تُرک زبان مانند فارسیمدان، دره‌شوری، کَشکولی (بزرگ و کوچک)، شش‌بلوکی، عمله‌خان، باصری و خمسه می‌باشند. که تیره‌های طایفه فارسیمدان عبارتند از:

- ۱- گرانلو ۲- مُغانلو ۳- ظُهرابلو ۴- دوقانلو ۵- یاندرانلو ۶- ماچانلو ۷- موصولو
- ۸- آی باتانلو ۹- کلی‌لو ۱۰- بُوگر ۱۱- بُلوچ ۱۲- شَملی ۱۳- لُر ۱۴- جامه‌بزرگی
- ۱۵- آغاجری ۱۶- زَرگر ۱۷- لَک ۱۸- تَوَلّی ۱۹- بَهلوی ۲۰- عمله ۲۱- شیبانی

۲۲ - گرجائی ۲۳ - شبانکاره ۲۴ - تیره مرکزی ۲۵ - داروغه (ساربان) ۲۶ - مردانی ۲۷ - عرب دادین ۲۸ - عرب فامور ۲۹ - اولاد ۳۰ - قاسملو با زیر مجموعه‌های نوروزخانلو، نیازخانلو، علی دادلو و علی کرملو ۳۱ - قره میرشاملو با زیر مجموعه‌های کایدلو، عراقلو، چلیلو، دنگزلو، سلیکلو و بایرامقلو ۳۲ - سلطانلو با زیر مجموعه قلدر ۳۳ - توابع با زیر مجموعه‌های قره بیگی، بی جم، قزل بگلو، یاغ موری و آی وادلو ۳۴ - مړول با زیر مجموعه سرخانلو ۳۵ - کلبعلی با زیر مجموعه‌های شاملو، چونالو و پری زادلو.

ضمناً کلانتر طایفه فارسیمدان در ابتدا مرحوم مسیح خان فارسیمدان بوده است که فرزندان آقاییان امان‌اله خان، محمدعلی خان، لطفعلی خان، زریر خان و اسفندیار خان فارسیمدان بوده‌اند که در حال حاضر فقط اسفندیار خان در قید حیات است و بعد از مسیح خان به ترتیب کلانتران طایفه فارسیمدان آقاییان امان‌اله خان فارسیمدان، غلامرضا خان زکی پور، منصور خان زکی پور، ذوالفقار خان فارسیمدان و در نهایت حسین خان زکی پور بوده‌اند و بنده حقیر نویسنده کتاب از ایل قشقائی، طایفه فارسیمدان در تیره عمله افتخار اصل و نسب را دارم.

مؤلف